

گزارش دو نشست تخصصی نسخ خطی و اسناد تاریخی در دانشگاه تهران

کیانوش شیخی^۱

پیش‌گفتار:

اسناد تاریخی و نسخ خطی به‌عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین آثار باقی‌مانده از دوره‌های گذشته و به‌عنوان بخشی از یادواره مشترک مردم هر قوم و ملت، نقش مهمی در شناخت هویت ملی، مذهبی و فرهنگی گذشته تمدن‌ها دارند؛ این گنجینه‌ها در هر مقطع از تاریخ، نمایانگر و منعکس‌کننده شرایط حاکم‌بر یک جامعه هستند. از این‌رو، نقش ویژه‌ای در مطالعات و پژوهش‌های تاریخی دارند. اهمیت استفاده از این منابع به‌گونه‌ای است که درصد قابل‌ملاحظه‌ای از عبار یک پژوهش تاریخی با میزان استفاده آن از اسناد و نسخ خطی سنجیده می‌شود، ولیکن این میراث مکتوب که مشحون از این ذخایر گرانبه‌است، سال‌ها بلکه قرن‌ها گردوغبار غفلت بر آن کشیده شده بود و جز اهل قلم و افراد علاقه‌مند، دیگر طالبان علم‌آشنایی چندانی با آن‌ها نداشته‌اند. در همین راستا، اساتید فرهیخته گروه تاریخ دانشگاه تهران تصمیم به راه‌اندازی گرایشی در دوره کارشناسی‌ارشد با عنوان مطالعات اسناد و مدارک آرشیوی و نسخه‌شناسی در سال ۱۳۸۷ گرفته‌اند تا بدین‌گونه نقش مهمی را در شناساندن فرهنگ و هویت این مرز و بوم ایفا کرده باشد. به‌واسطه همین امر، هر ساله گروه تاریخ دانشگاه تهران نشست‌های تخصصی برای فهم و آشنایی بیشتر دانشجویان علاقه‌مند در این زمینه برگزار می‌کند.

این مقاله سعی در معرفی دو نشست با حضور ماندانا برکشلی (دانش‌آموخته دکترای مرمت

۱. دانشجوی کارشناسی‌ارشد اسناد و مدارک
آرشیوی و نسخه‌شناسی دانشگاه تهران.
kianoush.sheykhi@ut.ac.ir



آثار هنری و رئیس اتحادیه جهانی نسخ خطی اسلامی در کمبریج انگلیس) و کریستوف ورنر (رئیس بخش ایرانشناسی دانشگاه ماربورگ) را دارد که در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ در دانشگاه تهران برگزار شدند.

فرهنگ‌شناسی و مروری بر پژوهش‌های بین‌المللی نسخ خطی فارسی

(سخنران: دکتر ماندانا برکشلی)

مقدمه:

گروه تاریخ دانشگاه تهران که در حال حاضر مجری اجرای دهمین سال آموزش گرایش اسناد و مدارک آرشیوی و نسخه‌شناسی در مقطع فوق لیسانس می‌باشد، در روز سه‌شنبه هفتم دی‌ماه ۱۳۹۵ نشستی را با حضور سرکار خانم دکتر ماندانا برکشلی برگزار کرد. این سخنرانی که در محل تالار استاد فقید مرحوم عباس اقبال آشتیانی واقع در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران برگزار شد، به بررسی پژوهش‌های بین‌المللی نسخ خطی فارسی پرداخت و از سوی سخنران محترم نکات مهمی بیان شد که نه فقط برای دانشجویان گرایش اسناد، بلکه برای دیگر پژوهشگران نیز مفید و آموزنده تواند بود. این برنامه در ساعت ۱۴ در تالار استاد عباس اقبال آشتیانی گروه تاریخ با خوشامدگویی استاد گرانیامیه دانشگاه تهران دکتر رشتیانی و معرفی اجمالی خانم دکتر برکشلی آغاز شد و در ساعت ۱۶:۳۰ پایان یافت.

معرفی سخنران

دکتر ماندانا برکشلی فرزند مرحوم دکتر مهدی برکشلی (رئیس سابق دانشکده علوم در دانشگاه تهران) دانش‌آموخته دکترای مرمت آثار هنری و هم‌اکنون دانشیار دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی و رئیس اتحادیه جهانی نسخ خطی اسلامی در کمبریج انگلستان هستند و از بنیان‌گذاران موزه هنرهای اسلامی مالزی بوده‌اند.

متن سخنران سرکار خانم دکتر ماندانا برکشلی

دکتر برکشلی در ابتدا با سپاس از گروه تاریخ و انجمن علمی دانشجویان تاریخ که چنین موقعیتی را فراهم کرده‌اند، به سابقه آشنایی خود با نسخ خطی فارسی اشاره کرده و وعده دادند با برگزاری یک کارگاه یک‌روزه به صورت مفصل به بررسی دیدگاه خود در زمینه فرهنگ‌شناسی نسخ خطی فارسی و علم ساخت کاغذ در تمدن ایرانی-اسلامی بپردازند. در ادامه تلخیصی از سخنان ایشان می‌آید:



رشته تخصصی من مرمت نسخ خطی است. کتابی در این باره در سال ۱۹۹۷ در هند چاپ کردم. در کارشناسی ارشد موضوع پایان نامه من مرمت و حفاظت نسخ خطی و در مقطع دکتری، تز من بررسی تطبیقی از منظر تاریخی و علمی روی نسخ خطی از منظر موادشناسی بود. بیست سالی است درگیر این تحقیق. خیلی به این کار علاقه مندم. عمده بحث روی رنگ و الواح و جوهر و مباحث و فنون مختلف در هر دوره و نوع برخوردی که با آن شده است.

آیا خوب است که ما نسخه‌های خطی را مجزا بررسی کنیم؟ یعنی یک گروه فقط متن کار کنند، یک گروه فقط مواد، یک گروه بحث هنر و زیبایی و ... آیا اینان مجزا هستند؟ اگر ما مجزا بررسی کنیم چه چیزهایی را از دست می‌دهیم؟ در دوره معاصر در حوزه نسخ خطی در سطح بین‌المللی موضوعی که خیلی مهم است بحث فرهنگ‌شناسی نسخ خطی است؛ یعنی اینکه این نسخه خطی چه حرفی برای گفتن دارد؟ چه اطلاعاتی را می‌توان از آن گرفت؟ در رابطه با جامعه‌شناسی آن دوره، در رابطه با اقتصاد آن دوره، هنر و فلسفه آن دوره و علم آن دوره چه اطلاعاتی را می‌توان کسب کرد؟

در واقع ما نباید همانند کتاب چاپی به نسخه نگاه کنیم و فقط متن را کار کنیم. منظور از فرهنگ‌شناسی نسخ خطی یعنی اینکه یک مجموعه را باید دید و به دنبال این باشیم و بفهمیم برای چه منظوری این نسخه سفارش شد؟ به چه دوره‌ای متعلق است؟ چه مسئله‌ای موجب نوشته شدن آن شده؟ و اینکه باید درک کنیم این نسخه یک پیکره است و وابسته به هم. و در یک کارگاه جمعی آن را به وجود آوردن متشکل از کاغذساز، رنگ‌ساز و جوهرساز و همه‌باهم به یک نتیجه رسیده‌اند که این نسخه این‌طور تولید شود و به هر نحوی که در مرحله تولید شده که با این رنگ ترکیب شده، (سلیقه‌ای نبوده) تا منحصربه‌فردی خود را تعریف کند.

امروز ما به یک پژوهشکده فرهنگ‌شناسی نیاز داریم که بحث جامعه و کتاب‌آرایی و علمی آن دوره را با نسخه خطی بررسی کنیم و همان‌طور که گفتم انگیزه یک من روی موادشناسی است و بررسی تطبیقی موادشناسی دوره مغول و صفویه.

یکی از دستاوردهای من در این پژوهش‌ها این است که متوجه شدم ما رنگی به نام سبز زنگار داریم از ترکیب مس و سرکه است. آنان صفحه مس را ۴۰ روز زیر خاک می‌کردند که به این شکل در بیاید. صادق بیگ افشار در شعری گفته است:

بکن چاهی دو گر در جای نمناک	صفایح کن تنک، لیک از مس پاک
بریز از سرکه ناصاف چندان	که گردد سرکه‌ها در خاک پنهان
در آن جایی بنه یک مه کم و بیش	پوشان از کم و بیشش میندیش
پس از یک ماه بنگر کان تمامی	شود زنگار خاطرخواه نامی

با مطالعه متون فارسی می‌توان فنون زنگار را درک کرد. از بین نرفتن مینیاتورهای



ایرانی در دوره‌های گذشته به دلیل آغشته‌شدن کاغذ آن‌ها به زعفران است؛ هنری که ما در مینیاتورهای اروپاییان شاهد نیستیم. حتی ایرانیان به مغولان هم این راز خود را منتقل نکردند. به همین دلیل، مینیاتورهای مغول هم مانند اروپاییان آسیب‌های جدی دیده است.

در آخرین مقاله چاپ‌شده در آلمان توانستیم رد پای زعفران را در زنگار پیدا کنیم و فهمیدیم دانشی که ایرانیان در زنگار داشتند و به هند هم وارد شد، نه در مغول و نه در اروپا می‌توان پیدا کرد. در ادبیات ما اشعار زیادی وجود دارد که تأکید بر رنگ کردن کاغذ دارد و به سفیدماندن کاغذ هشدار داده‌اند و رنگی را که اکثراً توصیه کرده‌اند، حنا است.

نسخ‌خطی روح دارد، روحی حساب‌شده بر اساس علمی کار شده و در بحث نسخ‌خطی ما از یک پیکره صحبت می‌کنیم که حرفی برای گفتن دارد و کوله‌باری از علوم در آن نهفته و جای تحقیقات زیادی دارد و برداشت ما نباید مثل کتاب چایی باشد.

در سال ۱۹۹۹ میلادی مدیریت گنجینه موزه هنرهای اسلامی را در مالزی بر عهده گرفتیم و بر اساس تجربه چند ساله و به کمک همسرم توانستیم حرکتی به این موزه بدهیم و کاری که کردیم قباله‌های دوره قاجار را به موزه بردیم ...

تا سال ۲۰۰۴ مدیر بودم و بعد که موزه روی غلتک افتاد چون عاشق تحقیق و دانشگاه و کسب دانش بودم از آن پس فقط به موزه مشاوره می‌دادم و در دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی دپارتمان هنر را افتتاح کردیم. سال ۲۰۰۵ به دانشگاه کمبریج دعوت شدم برای تأسیس مؤسسه نسخ‌خطی اسلامی. این اتحادیه بر روی نسخ‌خطی اسلامی تکیه دارد. هدف آن، شناسایی مراکزی است که نسخ‌خطی دارند و دانستن اینکه چطور از نسخ‌خطی خود حفاظت می‌کنند؛ تا چه اندازه حمایت مالی می‌شوند؛ نسخ‌خطی آن‌ها تا چه اندازه در دسترس هستند. هر دو سال یک‌بار نیز کنفرانسی با موضوع نسخ‌خطی اسلامی برگزار می‌شود. این مؤسسه تا سقف ۵ هزار پوند از کسانی که به فعالیت در نسخ‌خطی مشغولند حمایت مالی می‌کند و درهای آن به روی کسانی که بخواهند فعالیت در این زمینه داشته باشند باز است.

در ادامه پرسش و پاسخ دانشجویان با سخنران انجام شد و دکتر محسن جعفری‌مذهب عضو هیئت‌علمی کتابخانه ملی و استاد مدعو دانشکده ادبیات بر ضرورت توجه به ویژگی‌های فیزیکی نسخ‌خطی شامل جلد، خط، کاغذ، ترکیب عناصر و ... تأکید کردند و به پیشرو بودن مهدی بیانی در توجه به جلد نسخ‌خطی اشاره کردند.

البته قبل از پرسش دانشجویان دکتر جعفری‌مذهب که خود در کار نسخه و اسناد، استاد هستند نکاتی را مطرح کردند. ایشان خاطر نشان کردند که: متأسفانه در ایران نسخه‌خطی با نام فهرست‌نویسی شناخته شده ... متأسفانه هرکسی که نسخه‌خطی را باز می‌کند بعد از زدن شماره ثبت و پیدا کردن نسخه، بلافاصله به سراغ متن می‌رود و فقط کسی که در ایران از جلد

شروع کرد مهدی بیانی بود ...

در پایان دکتر ماندانا برکشلی با جمله زیر به نشست خاتمه دادند: «ما گنجینه‌ای داریم که حتی اسم گنجینه هم برایش کم است؛ این گنجینه در ایران نهفته است که ما ایرانیان هنوز خیلی به اهمیت آن پی نبرده‌ایم و باید هر چه زودتر به مطالعات و پژوهش‌های خود در این حوزه سرعت و عمق بیشتری ببخشیم».



مروری بر پژوهش‌های بین‌المللی اسناد تاریخی

(سخنران: پروفسور کریستوف ورنر)

مقدمه:

گروه تاریخ دانشگاه تهران در ادامه برنامه‌های کاربردی خود برای بالابردن سطح کیفی رشته تاریخ، اقدام به برگزاری نشستی دیگر در تاریخ سه‌شنبه سوم اسفند ماه ۱۳۹۵ به سخنرانی پروفسور کریستوف ورنر (رئیس بخش ایرانشناسی دانشگاه ماربورگ) کرد. این نشست که در محل تالار استاد فقید، باستانی پاریزی (با میزبانی گروه تاریخ) واقع در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران برگزار شد، به مروری بر پژوهش‌های بین‌المللی اسناد تاریخی پرداخت. در این نشست، سخنران محترم به ایراد سخنانی در باب اهمیت اسناد



فارسی، پروژه‌های بین‌المللی اسناد و برنامه‌های کاربردی خود برای بهبود وضعیت اسناد فارسی پرداخت که نه تنها برای دانشجویان و علاقه‌مندان به حوزه اسناد بلکه برای اساتید و پژوهشگران این عرصه درخور توجه و مفید بوده است.

معرفی سخنران

پروفسور کریستوف ورنر، از دانشجویان قدیمی گروه تاریخ دانشگاه است. وی که ایرانشناس و پژوهشگر تاریخ مدرن ایران است هم‌اکنون به‌عنوان رئیس بخش ایرانشناسی دانشگاه ماربوگ در کشور آلمان فعالیت دارد. ایشان مدیریت پروژه بانک اطلاعات تصویری اسناد تاریخی ایران و آسیای مرکزی را نیز در دانشگاه فیلیپ ماربوگ عهده‌دار است. پروفسور ورنر تاکنون تعداد زیادی از اسناد خصوصی و دولتی از قبیل فرمان‌های رسمی، اسناد شرقی و احکام قضایی این پایگاه اطلاع‌رسانی را به دو زبان فارسی و آلمانی با طرحی واضح و با امکان جست‌وجو و دستیابی به آن‌ها، جمع‌آوری و بارگذاری کرده است. او مقالات و سخنرانی‌هایی در حوزه ایرانشناسی از جمله سندخوانی و تصحیح نسخه‌های خطی و امثالهم داشته که از این قبیل هستند:

- ۱- زنان واقف در تهران عهد قاجار، ترجمه نسیم مجیدی.
- ۲- وقف، آیین‌ها تحولات اجتماعی/کریستف ورنر: ترجمه و تلخیصی کیومرث ایراندوست.
- ۳- تاریخ تبریز (از زندیه تا قاجاریه).
- ۴- وقف صفوی در دوره قاجار-ظهوریه در تبریز، نویسنده مجتبی کیانی و کریستف ورنر.

متن سخنران پروفسور کریستوف ورنر

این نشست با خوش‌آمدگویی دکتر رشتیانی، استاد فرهیخته و گران‌سنگ دانشگاه تهران آغاز شد که به حق حامی درجهٔ یک برگزاری این‌گونه نشست‌ها هستند. ایشان در ابتدا با ابراز خرسندی و خوشحالی از حضور پروفسور کریستوف ورنر در این نشست، به معرفی رشته تاریخ و گرایش‌های آن در دانشگاه و همچنین حوزهٔ کاری دانشجویان هر یک از این گرایش‌ها پرداخت. ایشان ضمن تأکید بر حوزه کاری پروفسور ورنر بر اسناد فارسی و ایجاد پایگاه جالب و بی‌نظیر بانک مطالعات اسنادی (asnad.org)، با خاطر نشان کردن تسلط پروفسور ورنر بر زبان فارسی، از ایشان دعوت به سخنرانی کردند.

پروفسور ورنر ضمن تأکید بر خوشحالی از بازگشت به دانشگاهی که ۲۵ سال پیش در آن تحصیل می‌کرده‌اند، از عوامل این امر و شخص دکتر رشتیانی تقدیر و تشکر به‌عمل آوردند و با بازگشت به خانه دانستن این سفر، به معرفی خود، پژوهش‌ها و پروژه‌های آینده خود پرداختند.



در ذیل برداشتی از مهم‌ترین سخنان ایشان در این نشست آورده شده است:

پروفسور کریستوف ورنر با عنوان اینکه پایان‌نامه دکتری خود را در زمینه تاریخ تبریز (زندیه تا اوایل قاجار) ارائه داد افزودند که بر اساس اسناد شرعی و فرمان‌ها و رقم‌های دوره قاجار، موفق به نوشتن تاریخی دیگر در مورد تبریز شدند. او اسناد مختلف راجع به تاریخ ایران و آسیای مرکزی را جمع‌آوری کرد تا اینکه بانک اطلاعاتی اسنادشناسی را افتتاح کرد. در واقع اولین ورژن در زمینه اطلاعات اسنادی را در دانشگاه فرایبورگ آلمان در سال ۲۰۰۳ به وجود آورد. او در سمینار دانشگاه تهران گفت هدفش این است با پژوهشگران کشورهای آلمان، ژاپن، ازبکستان، یک زمینه پژوهشی تازه‌ای به نام سندشناسی تطبیقی زبان فارسی ایجاد کند. در واقع در هند تا زمان سلطه بریتانیا زبان فارسی رواج داشته هرچند که از سندشناسی آن اسناد کمی در دست است. ورنر گفت اسنادی از قفقاز در دست است که دوزبانه می‌باشند و در آسیای مرکزی اسنادی در دست است که به زبان ترکی، فارسی می‌باشند با اینکه این اسناد به سیستم‌های اداری مربوط می‌شوند که کاملاً باهم تفاوت دارند (در زمینه دینی، حقوقی، سیاسی ...). اما آنچه که در این سیستم‌ها مشترک است، فارسی بودن آن‌هاست. هدف او از سندشناسی تطبیقی این مناطق این است که در واقع او این مناطق را هم از لحاظ تحولات تاریخی و هم از نظر جغرافیایی مورد مقایسه قرار دهند؛ ایشان این برنامه‌ها را از اهداف پروژه‌های آینده خود دانسته و ابراز امیدواری کردند که با همکاری دکتر رشتیانی و همکاران ایرانی خود کنفرانس‌ها، کارگاه‌های آموزشی و امکاناتی را در اختیار همه پژوهشگران بگذارند تا پیشرفت کنند. در ادامه مبحث پروفسور ورنر در جواب سؤال دکتر رشتیانی که پرسیده بودند چرا بعضی اسناد انتشار یافته متن استنساخ شده دارند و بعضی دیگر ندارند، افزودند: بعضی از اسناد فقط به صورت عکس چاپ شده‌اند؛ پس آن‌هایی که متن استنساخ شده دارند را در اطلاعات اسنادی اضافه می‌کنیم و آن‌هایی را که فقط عکس چاپ شده دارند و یا دیگر اسناد، با کمک همکاران ایرانی و خارج از ایران به صورت ورد همراه با عکس ثبت می‌شوند.

از نظر پروفسور ورنر بعضی اسناد اشتباهاتی دارد، خواندن سند و تایپ کردن آن و بازخوانی دوباره و سه‌باره سند به وقت و امکانات و همچنین سیستم‌های بسیاری نیاز دارد. وی در ادامه گفته‌های خود افزودند سندشناسی در ایران در دههٔ اخیر پیشرفت کرده است به هر حال ده سال پیش یک نظام واحد وجود نداشته که درست و دقیق اسناد تصحیح شود، مشکلی که در زمینه سندخوانی فارسی هست مشکل دست‌نویسی فارسی یا دستور خط می‌باشد، مثلاً در یک سند دوره صفوی ممکن است کلمه اسماعیل یک‌بار با (الف) و یکبار با (ع) نوشته شود، در هر صورت یا هر کلمه دیگری به صورت‌های متفاوت نوشته شود.





از آنجایی که فهرست‌نویسی کلید ورود به سندشناسی می‌باشد، کریستوف ورنر معیار خود را در فهرست‌نویسی این‌گونه بیان می‌کند: او معتقد است که این فهرست‌نویسی برمی‌گردد به مسئله سندشناسی، اینکه از کجا می‌اییم؟ به کجا می‌خواهیم برویم؟ از چه سنت‌هایی شروع می‌کنیم؟ و مسئله اصلی، فهرست‌برداری برای کیست؟ برای پژوهشگر است یا برای مورخ پیشرفته؟ یا برای عمومیت؟ در واقع فهرست‌نویسی هر چقدر دقیق‌تر باشد، به همان میزان مشکل‌تر خواهد بود. از نظر ایشان سیستم فهرست‌برداری برمی‌گردد به سندشناسی اروپایی؛ به عبارتی می‌توان گفت از نظام اروپایی سرچشمه گرفته که اسناد را به سه دسته فرمان، حقوقی، منشآت تقسیم‌بندی می‌کنند. اما در زمینه اینکه چه کسانی با گروه پروفیسور ورنر همکاری می‌کنند باید گفت که از طرف خانواده‌های ایرانی و ادارات دولتی و از تاشکند، ژاپن، گرجستان، شبه‌قاره هند، قفقاز اسنادی برای آن‌ها فرستاده می‌شود. این گروه پس از دریافت اسناد، آن‌ها را وارد و ثبت می‌کنند. اما در زمینه شناخت صحیح محتوای اسناد اینکه چه چیز درست و چه چیز نادرست است، تدریس نقش مهمی دارد. کتاب قائم‌مقامی اولین کتاب در زمینه سندشناسی در ایران است، در تقسیم‌بندی‌هایی که در کتاب قائم‌مقامی صورت گرفته پیشرفت و تحولاتی دیده می‌شود، بسیار مهم است که این تحولات فهمیده شوند. در واقع این تحولات نشان‌دهنده پیشرفت در سندشناسی ایرانی هستند؛ به بیانی سندشناسی را باید از کتاب قائم‌مقامی شروع کرد، تا مشخص شود در چه حد پیشرفت کردیم. از نظر آقای ورنر برای سندشناسی فقط و فقط کتاب قائم‌مقامی کافی نیست بلکه این کتاب برای شروع کار است و برای سندشناسی فقط نباید به همین کتاب اکتفا کرد. بعضی وقت‌ها مهم است که به اصل سند هم دسترسی داشته باشیم. وقتی اصل سند در دست فرد است خیلی خوب می‌توان

سندشناسی کرد. به خصوص مهرها که فقط از طریق اسکن نمی‌توان آن‌ها را شناسایی کرد بلکه باید به آن دسترسی داشت. برای شناخت کاغذ و نوع و مواد آن باید به اصل آن دسترسی داشته باشیم، برای مورخی که می‌خواهد بداند موضوع سند چیست همان عکاسی و اسکن کافی می‌باشد اما برای کسی که می‌خواهد سندشناسی تخصصی انجام دهد واقعاً ضرورت دارد که به اصل سند هم دسترسی داشته باشد و هرچه سند مهم‌تر باشد دسترسی به آن هم اهمیت بیشتری دارد. سندشناسی در جاهای مختلف متفاوت می‌باشد؛ مثلاً در ایران اهمیت موضوع سند نسبت به محتوای سند بیشتر است درحالی‌که در جاهای دیگر چنین نیست و اهمیت خواندن محتوای سند نسبت به تعیین موضوع سند بیشتر است که این اصل دومی در کشورهای اروپایی بیشتر رعایت می‌شود.

پروفسور ورنر با اعلام اینکه علم سندشناسی می‌تواند یک علم مستقل باشد یعنی فقط وابسته به تاریخ نباشد بلکه زمینه‌های پژوهشی مستقلی داشته باشد، به سخنان خود در این نشست پایان داده و به پرسش‌های حضار پاسخ دادند.



